

اشتباهات عجیب يك اسلام

شناس غربی

(۲)

نتقاد

دبر رگا

آیا اینها اشتباهاتی است
که بر اثر بی اطلاعی خاور-
شناسان روی داده ، یا نقشه
حساب شده‌ای برای کوبیدن
مذهب انقلابی ما و احیای
مذاهب استعماری طرح شده
است ؟

همانطوریکه در شماره گذشته گفتیم توجه بیش از حد بافکار وارداتی و خود باختگی دبرابر غربیها نه تنها در مسائل تجاری صنعتی و علمی و اجتماعی اثر گذاشته ، بلکه در مسائل مذهبی نیز برای بعضی ، يك نوع وابستگی فکری به نوشته‌های غربی و بیگانه بوجود آورده است تا آنجا که انتظار دارند اصالت مذهب ما را نیز آنها تصدیق کرد . و همین امر سبب شده است که هر چه از قلم يك د خاور شناس ، یا باصطلاح «اسلام شناس» غربی تراوش کند از

طرف عده‌ای مورد استقبال قرار گیرد در حالیکه اشتباهاتی در کتب آنها در زمینه شناخت اسلام دیده می‌شود که حتی برای کودکان دبستانی ماحیرت آور است !

در شماره گذشته قسمتی از کتاب «اسلام» بقلم «دوهمینیک سوردل» ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی را بررسی کردیم ، اکنون به بررسی و نقد قسمت دیگر آن می‌پردازیم :

بیت المقدس سومین شهر مقدس !

در صفحه ۷۹ کتاب مزبور می‌نویسد که «اورشلیم» از زمان خلفای اموی سومین شهر مقدس محسوب می‌گردد . !

در حالیکه می‌دانیم چنین نیست بلکه عظمت و مقدس بودن این شهر بخاطر وجود مسجد اقصی ، که نخستین قبله مسلمانان بوده می‌باشد و پیامبر (ص) مدتی بسوی آن نماز می‌خواند و از همان موقع شهر مقدس بحساب می‌آمد و علاوه بر این قرآن در باره معراج پیامبر از مسجد اقصی که در اورشلیم واقع است با عظمت خاصی یاد کرده است و آن مکان و اطرافش را مبارک می‌داند «سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله ...» (۱)

نظام خانواده

در صفحه ۸۵ درباره مسائل زناشویی ، می‌خوانیم که اسلام قوانینی در این باره وضع کرده است که بیشتر مربوط بر روابط زن و شوهر بوده و کمتر بامور خانواده پرداخته است . !

(۱) سوره اسراء آیه ۱

تکوینی است که با مالکیت حقوقی انسانها نسبت
باموالشان منافاتی ندارد .
واز این جهت مسئله وام دادن یکی از قوانین
مسلم اسلام است و قرآن با صراحت در آیات متعددی
از آن یاد کرده است و در منابع فقه اسلامی فصل مشروحی
در باره احکام وام دادن دیده میشود .

اتفاقاً طولانی ترین آیه در قرآن مجید آیه ایست
مربوط با حکام وام دادن و چگونگی تنظیم اسناد
مربوط بوام (۲)

قضاوت در اسلام

نویسنده نامبرده در صفحه ۱۰۳ ظهور مقام قاضی
را در اسلام از زمان خلفای اموی دانسته و می گوید:
این مقام از مقام حکمهای پیش از اسلام و قضایهای
بیزانس (روم) اقتباس شده است .

ولی ناگفته پیداست که کتاب قضاء و شهادت
و نظام حکم در اسلام در فقه باب مفصلی است و از زمان
پیامبر، حکم و قاضی معین میشد و خود آنحضرت
افراد متعددی را بعنوان قاضی برای شهرها تعیین
کرده است ، گذشته از آنکه قضاوت خود از مناصب
خاصه شخصی پیامبر (وامام) است حتی در زمان
امیرمؤمنان و خلفای پیش از او قضاتی برای شهرهای
اسلامی معین شده بود که در تمام تواریخ اسلام

(۱) برای توضیح بیشتر در این قسمت بمنابع
فقه اسلامی، کتاب نکاح، ابواب مربوط باولاد
و انتخاب همسر و وظایف زن و مرد در برابر یکدیگر
و در برابر فرزندان و نیز به کتاب العشرة ،
مراجعه شود .

(۲) آیه ۲۸۲ سوره بقره

ولی در صفحه ۱۰۴ درست ضد این مطلب را
گفته است آنجا که می نویسد : « ... قوانین اسلام
همیشه ناظر و حاکم بر امور اجتماعی ، سیاسی و
مذهبی مسلمین بوده است و بنا بر این میتوان گفت
اگرچه اسلام مذهب بشمار می رود ولی برای هر
فردی از مسلمین وظایفی جهت زیستن معین کرده
است . »

بعلاوه مطالبی که اسلام درباره امور خانوادگی
و حقوق متقابل زن و شوهر ، والدین نسبت بفرزندان
یا بالعکس و وظایف اعضای خانواده وضع کرده
است و این قوانین در کتب فقهی و روایات بقدری
زیاد است که می توان ادعا کرد که قوانین اسلام در
این زمینه از تمام مکتبهای حقوقی عصری ، در
مسائل اخلاقی و اجتماعی و امور مربوط بخانواده
وسیع تر و گسترده تر است و ریزه کاریهای در آن
بکار رفته که در کمتر مکتبی دیده می شود . (۱)

وام دادن ممنوع !

در سطر آخر صفحه ۹۲ عقیده خاصی در باره
اسلام ابراز میکند که کاملاً تازه است و عین عبارت
کتاب چنین است :

« مالکیت ثروت و دارائی منحصراً
متعلق بخداوند است و در این صورت نباید
آنها بوام داد . »

در حالیکه مطمئناً هیچ مسلمانی به چنین مطلبی
معتقد نیست و تاکنون در هیچ يك از کتابهای
اسلامی چنین چیزی نوشته نشده است . درست است که
مسلمانان خود همه چیز خویش را وابسته بخدا و
ملك خدا میدانند ولی این مالکیت یکنوع مالکیت

مذکور است .

اصول دین شش تا است !

مطالب کتاب مزبور در باره تشیع آنقدر بی-اساس و دور از حقیقت است که خواننده را باعجاب و حیرت رامیدارد .

در یکجا پیدایش «خوارج» را پیش از پیدایش شیعه میداند ! (صفحه ۱۰۵)

با آنکه میدانیم و همانطوریکه در شماره پیش نوشته شد ، پیدایش شیعه از روزهای نخستین وفات پیامبر بلکه از زمان خود آنحضرت آغاز شد . و خوارج در جریان جنگ صفین (اواخر خلافت حضرت علی (ع) و از قضا حکمیت در این جنگ پدید آمدند و این مطلب بخوبی روشن است .

عجیب تر اینکه مینویسد : « برخلاف نهضت خوارج ، تشیع مسلک‌هایی بوجود آورد که از اسلام رسمی بسیار بدور بود . و تشیع در آغاز یک حزب سیاسی عربی یعنی حزب علی بشمار میرفت . . . و سپس بصورت یک نهضت افراطی مذهبی درآمد . و نیز می‌افزاید که این فرضیه اصل امامت ، اگر چه سیاسی است ولی اساس آن بر مذهب گذاشته شده است . . . تا آنجا که میگوید : « اعتقاد به امامت ششمین اصل مسلک شیعه است ! ! » (۱)

محدود بودن اطلاعات نویسنده از عبارات فوق کاملاً نمایان است زیرا بی اساسی و نادرتی مطلب فوق بر هر فرد مسلمان و مطلعی معلوم است چه اینکه مسأله امامت تنها جنبه سیاسی ندارد بلکه اساس تلقی مذهب و تعلیمات مذهبی است و از این گذشته ، حتی

در مکتب خانه‌ها هم امامت را بعنوان یکی از اصول پنجگانه دین ، بکودکان یاد میدادند و ما هر چه شنیدیم اصول دین را پنج تا میگفتند لابد ششمی را هم مستشرق بصیر و دلسوز برای ما لازم دانسته و آنرا بر اصول پنجگانه ما افزوده است ؟ !

وی در صفحه ۱۱۰ مرتکب اشتباه دیگری شده آنجا که می‌نویسد : اعتقاد به ائمه در آغاز بعضی از شیعیان را بر آن داشت که در تدوین قرآن شک و تردید کنند . . امام موفقی نشدند که يك متن موثقی اختیار کنند و متن حاضر قرآن را قبول داشتند ولی برای توجیه مسلک خود متوسل به يك نوع تفسیر و تأویل مجازی شدند که توسط « معتزله » ! بعمل آمده بود !!

بی اساس بودن این مطلب نیز چنان روشن است که ما را از پاسخ بدان بی‌نیاز میکند .

با آنکه نسبت به تشیع اینچنین دور از واقع؛ فضاوت کرده ، از تصوف تمجید میکند و میگوید: و آنان برخلاف شیعیان معنی تحت اللفظی قرآن را از نظر دور نداشته ! و بدین ترتیب تصوف علی‌رغم افراط و زیاده رویهایش موفق شد در مذهب اسلام رسمی چیز تازه و قابل قبولی بیاورد ! . . . و باز گشت

(۱) اصولاً لقب شیعه را پیروان علی خود شخصر پیامبر داده است آنجا که فرمود : ان هذا (علیاً) و شیعه هم الفائزون يوم القيامة «علی (ع) و شیعه او در روز بازپسین رستگارانند» { نقل از تفسیر در-المنثور نوشته سیوطی دانشمند معروف اهل تسنن) برای توضیح بیشتر در این زمینه به کتاب «آئین‌ماه» مراجعه شود .

به خدا را رمز اتحاد صوفیان میدانند! (۱)
 راستی باید از نگارنده پرسید کجا و کی شیعه
 معنی ظاهری قرآن را از نظر دور داشته‌اند و کجا
 تأویل و تفسیر مجازی کرده‌اند؟ و وانگهی چه
 ربطی به روش معتزله در اینباره دارد؟
 بمکس یکی از روشنترین مبانی تصوف مسئله
 تأویل و تفسیر مجازی آیات و دور شدن از معانی
 مطابقی و تحت‌اللفظی آیات است.
 از همه مضحکتر اینکه مؤلف آنقدر از درک
 ممتدات فرق مختلف دور بوده است که وحدت
 وجود... را همان وحدت و اتحاد و همبستگی در
 اجتماع دانسته است!
 اینجاست که باسانی میتوان گفت که این

گونه مستشرقین و اسلام شناسان واقعی اطلاعند
 بلکه موضوع تخریب و غرض ورزی و نقشه‌های
 خاصی ممکن است در کار باشد، زیرا وی از یک
 طرف حزب سیاسی ساختگی و جاسوس بیگانه یعنی
 (فرقه ضالیه) را منضمب از تشیع دانسته و سپس آنرا
 مذهب جدید جهانی شمرده است که خواهان ترقی
 و پیشرفت است. (۲) و از طرف دیگر مذهب پیشرو
 و انقلابی تشیع را در چهره‌ای آنچنان تحریف شده
 معرفی می‌نماید.
 آیا این خود کاشف از سوء نیت این گونه
 مستشرقین نمی‌باشد و نقشه‌های آنان را نمایان
 نمی‌سازد؟

ضایعه بزرگ

در آخرین ساعاتی که مجله زیر چاپ بود بانهایت تأسف اطلاع حاصل
 شد که یکی دیگر از شخصیتهای برجسته روحانی یعنی **آیه الله کوهستانی**
 بدرود حیات گشته‌اند.
 فقید سعید بطور قطع از کسانی بود که مشاهده حالات برجسته و صفات
 عالی و وارستگی مخصوص و سادگی بی نظیر زندگی او انسان را به یاد اصحاب
 ائمه (ع) و زهاد معروف اسلام می‌انداخت.
 فقید سعید در طول عمر پر برکت خود صدها عالم و دانشمند تربیت نمود
 و آثار برجسته و سیعی در سراسر مازندران از خود بیادگار گذارد آیه الله
 کوهستانی در سال ۱۳۰۸ قمری متولد و در روز جمعه هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱
 شمسی از دارفانی چشم بر بست **عاش سعیداً و مات سعیداً**

(۱) ص ۱۳۰ و ۱۲۷ و ۱۱۹

(۲) ص ۱۱۷